

## شرح صدر از دیدگاه قرآن

جمال فرزندوحی\*

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه ایلام، ایلام

ملیحه قاسمی نژاد\*\*

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی کرج

(تاریخ دریافت: ۹۰/۱۰/۳، تاریخ تصویب: ۹۱/۰۲/۱۷)

### چکیده

عبارت «شرح صدر» از آنجا که نقش مهمی در کمال معنوی و هدایت انسان‌ها دارد، چندین بار در آیات قرآن کریم تکرار شده است. شرح صدر در دو آیه به طور مطلق به کار رفته و در دو مورد نیز به اسلام و در یک مورد به کفر مقید شده است. این ویژگی موهبتی الهی است که عواملی مانند اراده الهی، عبادت، ذکر، علم، تلاش و... آن را تقویت می‌کند و دارای ثمراتی همچون حسن خلق، صبر، عفو، سکینه و... است. هدفی که در این مقاله دنبال می‌شود، شامل تبیین حرکت انسان به سوی کمال معنوی و راه‌های تشخیص شرح صدر می‌باشد. در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

**کلیدواژه‌ها:** شرح صدر، ضیق صدر، قرآن، صبر، سکینه.

---

\*. E-mail: farzandwahy@yahoo.com

\*\* E-mail: ghaseminejadm@yahoo.com

## مقدمه

وجود شرح صدر برای همه انسان‌ها خصوصاً پیامبران الهی که بار سنگین نبوت بر دوش آنان قرار داده شده، شرط لازم و ضروری است. اما مفهوم و مصداق قرآنی آن خصوصاً برای عامه مردم واضح و روشن نیست و چه بسا عده‌ای فکر می‌کنند که این ویژگی خاص پیامبران الهی است و لذا برای به دست آوردن آن تلاشی نمی‌کنند. در نتیجه زندگی آنان توأم با سختی و حرج خواهد بود. در عصر حاضر که صنعت و تکنولوژی بر جوامع بشری حکم فرما شده و آدمی با فشارهای روحی و روانی، معنوی، اقتصادی و... روبرو است، تحمل و مقاومت در برابر این فشارها جز از طریق مجهز بودن به نیروی شرح صدر امکان پذیر نمی‌باشد. لذا در این مقاله با توجه به اهمیت موضوع به معنا و مفهوم قرآنی شرح صدر، عوامل و ثمرات شرح صدر پرداخته‌ایم و در نهایت ملاک‌هایی برای ارزیابی دارا بودن یا نبودن شرح صدر ارائه خواهد شد.

## ۱-۱ مفهوم شرح صدر

شرح در لغت به معنای بسط و گسترش دادن و صدر به معنای سینه است. شرح صدر یعنی گسترش سینه با نور و سکینه الهی و روحی از جانب خداوند (راغب اصفهانی، بی تا: ۴۵۰).

حسینی همدانی می‌گوید مراد از صدر و سینه، روح و روان است که حقیقت و لطیفه انسانی است و سایر اعضا و جوارح به منزله جزء سافل، قوای عامل و نیروی فرمانبر روح هستند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۵۱-۱۵۲).

بنابراین می‌توان گفت که شرح صدر دارای دو معنا است. یکی به معنی فراخی و گستردگی سینه که یک امر مادی و جسمانی می‌باشد و دیگری به معنی افزایش ظرفیت وجودی شخص که امری روحی و معنوی است. این ظرفیت در رابطه با افراد مختلف، متفاوت است. افراد مؤمن، این ظرفیت را در جهت پذیرش حق و تحمل مشکلات راه حق به دست می‌آورند و این از الطاف الهی است که چون کسی واجد آن شود، می‌تواند سختی‌ها و مشکلات را تحمل کرده و راه به مقصد برد. از

سوی دیگر افراد کافر، ظرفیت پذیرش کفر و باطل را پیدا می‌کنند و در جهت منفی پیشرفت می‌کنند.

### ۲-۱ تقابل شرح صدر با ضیق صدر

راغب می‌گوید: ضیق به معنای تنگی است و ضد آن وسعت و گشادگی است (راغب اصفهانی، بی تا: ۵۱۴).

نقطه مقابل ضیق صدر، شرح صدر است. همان طور که شرح صدر موجب پزیرفیتی، صبوری، تحمل و حوصله فراوان می‌شود؛ ضیق صدر موجب کم ظرفیتی، تحیر در تصمیم و درماندگی در کار می‌شود. خداوند متعال این تقابل را به زیبایی در آیه شریفه ذیل به نمایش می‌گذارد:

«فمن یرد الله ان یهدیه یشرح صدره للاسلام و من یرد ان یضله یجعل صدره ضیقا حرجا كأنما یصعد فی السماء کذلک یجعل الله الرجس علی الذین لا یؤمنون» (انعام: ۱۲۵). همان طور که شرح صدر یک حقیقت روحی و معنوی است و اگر کسی واجد آن شود؛ سینه‌اش آن چنان باز و گسترده می‌شود که حق را حتی اگر در تضاد با تمام خواسته‌های مادی او باشد، با صبر و حوصله می‌پذیرد و ادا می‌نماید. ضیق صدر نیز حقیقتی است روحی و معنوی که هر گاه کسی دچار آن حالت شود؛ ممکن است سینه‌اش آن چنان تنگ و محدود شود که راهی و جایی برای نفوذ هیچ حقیقتی در آن نماند. مولای متقیان (ع) در این زمینه می‌فرماید: هر کس سینه‌اش تنگ شود؛ برای ادای حق صبر نمی‌کند (ابوالفتح کراجکی، بی تا: ۲۷۸).

### ۳-۱ ارتباط شرح صدر با سکینه و وقار

سکینه به معنای آرامش، آهستگی، وقار و سنگینی است (مسعود جبران، ۱۳۸۰: ۹۶۸). سکینه از حالاتی است که خداوند آن را در سینه پیروان حق قرار می‌دهد: «ثم انزل الله سکینته علی رسوله و علی المؤمنین» (توبه: ۲۶). خداوند در آیه‌ای دیگر، سکینه را وسیله‌ای برای زیاد شدن ایمان معرفی می‌کند: «وان العبد إذا اختاره الله عزوجل لامور عبادة شرح صدره لذلك» (مجلسی، ۱۹۸۳: ۲۵).

۱۲۷) هرگاه خداوند بنده‌ای را برای اداره امور بندگان برگزیند؛ شرح صدر لازم را به او عطا می‌کند.

عیاشی از زراره از امام صادق (ع) نقل می‌کند: «ان الله اذا اتخذ عبدا رسولا انزل علیه السکینه والوقار» (مجلسی، ۱۹۸۳: ۱۸، ۲۲۷) هرگاه خداوند بنده‌ای را به رسالت برگزیند به او آرامش و وقار می‌دهد. در این روایت با توجه به روایت فوق، منظور از سکینه همان شرح صدر است.

نتیجه آنکه بین شرح صدر با سکینه و وقار رابطه تنگاتنگی وجود دارد. یعنی هر فرد با ایمانی که سکون و آرامش یافت؛ در واقع دارای شرح صدر است.

#### ۱-۴ ارتباط شرح صدر با صبر

صبر به معنی خود را بازداشتن و خودداری کردن است (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۴۷۵). صبر از بزرگ‌ترین ملکات و احوالی است که قرآن آن را ستوده و مکرر به آن امر نموده است، تا جایی که قریب به هفتاد مورد درباره آن فرموده است: «ان ذلک من عزم الامور» (لقمان: ۱۷) (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۳۴۵).

امورات مهم انسان جز با داشتن روح بزرگ و سینه باز به خود جامه عمل نمی‌پوشاند و از آن جایی که صبر یکی از مسائل مهم آدمی است در نتیجه کسانی که دارای روح بلند و شرح صدر هستند، می‌توانند در برابر ناملازمات استقامت و پایداری کنند و صبور باشند. از طرف دیگر چون روح انسان ظرفیت و گنجایش گسترده شدن را دارد، هر اندازه که انسان از خود مقاومت و پایداری نشان دهد؛ شرح صدر او افزایش می‌یابد. حضرت موسی علیه السلام هنگامی که به رسالت مأمور می‌گردد، از خداوند درخواست ظرف یعنی شرح صدر می‌نماید نه مظروف که صبر باشد؛ تا گنجایش آن را داشته باشد: «قال رب اشرح لی صدري» (طه: ۲۵).

باید توجه داشت که واژه‌هایی چون صبر، سکینه و وقار از باب مجاز می‌تواند به جای شرح یا سعه صدر به کار رود. زیرا در واقع این امور از ثمرات و نتایج گستردگی سینه و سعه صدر می‌باشند. یعنی کسی که سینه‌اش گشاده گردد و ظرفیت روحی بیابد؛ بردبار، مقاوم و دارای طمأنینه می‌شود و از باب علاقه سبب و مسبب می‌توان نتایج شرح صدر را به جای این واژه به کار برد.

## ۲ - شرح صدر و اقسام آن از دیدگاه قرآن

خداوند در قرآن از شرح صدر به عنوان موهبت عظیم به پیامبر اکرم (ص) یادآوری می‌کند: «الم نشرح لک صدرک» (انشراح: ۱). مراد از شرح صدر در این آیه، گستردگی و وسعت نظر حضرت محمد (ص) است؛ به طوری که ظرفیت تلقی وحی، نیروی تبلیغ آن و تحمل ناملایماتی را که در این راه می‌بیند، داشته باشد و به عبارت دیگر نفس شریف آن جناب را طوری نیرومند کند که نهایت درجه استعداد را برای قبول افاضات الهی پیدا کند (طباطبایی: ۲۰، ۳۱۵).

حضرت موسی (ع) در وادی مقدس از خداوند سبحان در خواست شرح صدر می‌نماید: «قال رب اشرح لی صدري» (طه: ۲۵) گفت پروردگارا به من شرح صدر بده. در این دو آیه شرح صدر به طور مطلق ذکر شده است.

### ۲-۱ شرح صدر مطلق

شرح صدر مطلق عبارت از ظرفیت فکری و روحی است و نیز آمادگی روح انسان برای ادراکات و احساساتی که بر او وارد می‌شود. یعنی برخی دل‌ها از چنان گستره‌ای برخوردارند که اگر اقیانوس علم در آنها سرازیر شود؛ احساس عطش در آنها فرو نمی‌نشیند. احساس قدرت حکومت بر تمامی جهان آنها را پر نمی‌کند و در برابر سختی‌ها خم به ابرو نیاورده و با روی گشاده آنها را تحمل می‌کنند. علی بن ابی طالب (ع) می‌فرماید: «إن هذه القلوب اوعیه، فخيرها اوعاها» (نهج البلاغه: حکمت ۱۴۷)؛ این قلب‌ها مانند ظرف‌ها است. بهترین آنها ظرفی است که گنجایشش بیشتر است.

### ۲-۲ شرح صدر اسلام

در دو آیه از قرآن شرح صدر مقید به اسلام و زمینه هدایت‌پذیری معرفی شده است:

«فمن یرد الله ان یهدیه یشرح صدره للاسلام» (انعام: ۱۲۵) خداوند هر که را بخواهد هدایت کند؛ سینه‌اش را برای پذیرفتن اسلام می‌گشاید. مرحوم طبرسی

می‌نویسد: در روایت صحیح وارد شده است که وقتی این آیه نازل شد، از پیامبر گرامی پرسیدند: منظور از شرح صدر چیست؟ فرمود: نوری است که خدا در دل مؤمن می‌افکند و سینه‌اش را به وسیله آن گشایش و روشنی می‌بخشد. پرسیدند: آیا این نور نشانه‌ای دارد که شناخته شود؟ فرمود: آری، توجه به سرای جاودانی و کناره‌گیری از سرای فانی و آمادگی برای مرگ پیش از فرا رسیدن آن (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴، ۵۶۲).

«افمن شرح الله صدره للاسلام فهو على نور من ربه فويل للقاسيه قلوبهم» (زمر: ۲۲) آیا کسی که خدا سینه‌اش را پذیرای اسلام کرد همچون کوردلانی است که نور هدایت به قلبشان راه نیافته است. وای بر آنها که قلب‌هایی سخت دارند. در این دو آیه شریفه شرح صدر مقید به اسلام شده است.

امام صادق (ع) در تفسیر این آیه فرموده است: هنگامی که خداوند خیر کسی را بخواهد؛ سینه‌اش را برای پذیرش اسلام باز می‌کند. وقتی چنین عنایتی بر او شد؛ خداوند زبانش را به حق گویا می‌سازد و او حق را در زندگی پیاده می‌کند؛ و هنگامی که خداوند وفاداری به حق را در گفتار و کردار او جمع کرد اسلامش کامل می‌گردد (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷: ۴، ۱۸۷۶).

پس شرح صدر اسلامی عبارت از آمادگی قلب و روح انسان برای پذیرش اسلام به‌عنوان دین حق است.

## ۲-۳ شرح صدر کفر

نقطه مقابل شرح صدر برای اسلام، شرح صدر برای کفر می‌باشد. به این معنی که انسان با رضایت و رغبت، دریچه قلب خود را به روی کفر و بی‌ایمانی بگشاید. چنان که خداوند متعال می‌فرماید: «من شرح بالكفر صدرا فعليههم غضب من الله و لهم عذاب عظیم» (نحل: ۱۰۶) مرحوم طبرسی در تفسیر این آیه نوشته است: مراد کسی است که دلش برای کفر گسترش یافته و جانش از کفر احساس خوشی و لذت می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶، ۵۹۸).

بنابر این شرح صدر موهبتی الهی و ربانی است که دارای مراتب و درجات بی‌شمار می‌باشد و خداوند متعال آن را به هر کدام از بندگان که لایق و شایسته بداند، مرحمت می‌فرماید.

### ۳- عوامل شرح صدر

برای ایجاد و تقویت شرح صدر عوامل و اسبابی لازم است تا مسافر راه حق، با به کار بستن آن بتواند آن را کسب و تقویت نماید. این عوامل مؤثر و بی‌شمارند. که در این جا به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

#### ۳-۱ اراده و مشیت الهی

شرح صدر، بخشش خداوند و بر خاسته از مقام ربوبیت اوست. دلیل این مطلب آیه ۲۵ سوره طه است: «قال رب اشرح لی صدري» که حضرت موسی (ع) شرح صدر را از خداوند مسئلت می‌نماید. همینطور آیه ۱ سوره انشراح به طور صریح و آشکار، شرح صدر را به خداوند متعال نسبت می‌دهد و خدا در مقام امتنان بر رسولش می‌فرماید: «الم نشرح لك صدرک».

در آیه ۱۱۴ سوره طه، خداوند متعال به پیامبر اکرم (ص) می‌آموزد که افزایش علم را از پروردگار خویش طلب نماید.

آیت الله جوادی آملی در این رابطه می‌نویسد: مهم‌ترین عامل برای دریافت علوم و معارف، شرح صدر است. این مبدأ قابل را باید از خداوند درخواست کرد. زیرا او هر چه ببخشد نه تنها فیضش کاهش نمی‌یابد؛ بلکه بر آن افزوده می‌شود. یعنی افاضه خداوندی زمینه قابلیت را زیاد می‌کند و لطف مجدد الهی به قابلیت پدید آمده پاسخ مثبت می‌دهد؛ به طوری که اگر علم یا کمال دیگری به روح انسانی اضافه شد؛ همین مظهر و معنی علم، مایه افزایش ظرفیت روح می‌گردد. بنابراین هم اصل قابلیت به افاضه الهی است و هم تأمین نیازمندی‌های قابل، به عنایت خداست (جوادی آملی، ۱۳۷۶: ۸، ۲۴۳-۲۴۴).

پس شرح صدر یک امر خدادادی و در واقع نعمتی الهی است که به مقام ربوبیت پروردگار بر می‌گردد. و مایه آرامش و اطمینان انسان و دوری وی از خشم و قهر خداوند می‌شود.

### ۳-۲ انجام عبادت

انسان جهت ملاقات پروردگار، لازم است که قلب وسیعی داشته باشد. برای وسعت بخشیدن به دل، ضروری است که آن را نورانی کند. و مرکبی که دل را به سوی نور هدایت می‌کند؛ عبادت است. چنان که خداوند در آیه ۵۶ سوره ذاریات می‌فرماید:

«و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون».

عبادت غایت آفرینش است و محتوی واجباتی است که اسلام به انجام دادن آنها فرمان داده است (مدرسی، ۱۳۷۷: ۱۴، ۷۷).

البته انجام واجبات یکی از مراحل عبادت است که بسته به شرایط انجام و چگونگی نیت متفاوت می‌باشد؛ حال آن که مرتبه بالاتر و کامل آن انجام مستحبات است. از آن جا که انجام مستحبات اجباری نیست؛ بلکه از روی شوق و اشتیاق انجام می‌گیرد؛ درجه معرفت را بالا می‌برد در نتیجه قلب نیز از وسعت و گستردگی بیشتری برخوردار می‌شود و می‌تواند در سایه آن فیوضات و توفیق‌های خاص خداوند را درک و دریافت نماید (ملکی تبریزی، بی‌تا: ۳۰).

عبادت به انگیزه‌های مختلفی انجام می‌شود. گاهی از ترس جهنم و گاه به طمع بهشت انجام می‌شود و در مرتبه آخر، جهت دوستی و جلب محبت باری تعالی می‌باشد. اولی عبادت بردگان؛ دومی عبادت بازرگانان و سومی عبادت آزادگان خوانده می‌شود (کلینی، ۱۴۱۱: ۳، ۱۳۲).

اگر چه هر سه نوع عبادت نیکو هستند، نوع سوم، بهترین هدف می‌باشد که نتیجه آن، دریافت کمال رحمت پروردگار است. به این ترتیب انوار الهی بر او می‌تابد و قلب وی را نورانی می‌کند و سبب انشراح قلب وی می‌شود تا توانایی درک حبّ و عشق او را می‌یابد؛ تا جایی که همه امور دنیوی را فدای او می‌کند.

امام خمینی رحمه الله علیه در این زمینه می‌فرماید: اعلی مرتبه عبادت این است که قلب را برای عبادت وی از هر چیزی خالی کنی و آن را از بی‌نیازی پر کنی (خمینی،



۱۳۷۱: ۴۴۶). هر کدام از عبادات، ثنای باری تعالی به صفت یا اسمی از اسمای او است؛ اما نماز، ستایش حق به تمام اسماء و اوصاف است (خمینی، ۱۳۷۱: ۴۳۳).  
از این کلام امام به دست می‌آید که انجام هر یک از عبادات به خصوص نماز که ستایش حق است؛ با تمام اوصاف نیازمند سینه‌ای باز و گشاده است که با فراغت از همه امور مادی به نحو احسن انجام پذیرد. از طرفی تمرین و مداومت بر انجام این عبادات در ایجاد شرح صدر و تقویت آن کاملاً مؤثر است. در حقیقت می‌توان گفت عبادت و شرح صدر رابطه دو سویه دارند؛ از طرفی عبادت خالصانه نیاز به شرح صدر دارد و از طرف دیگر شرح صدر نیز زاده عبادت است. پس هر چه مرتبه عبادت والاتر باشد، شرح صدر بیشتری حاصل می‌شود.

### ۳-۳ مداومت بر ذکر

ذکر گاهی به معنای یاد و خاطر و گاهی به معنای حضور قلب و یا حضور در زبان استعمال می‌شود. مثلاً می‌گویند: ذکر خدا دو نوع است: ذکر زبانی و ذکر قلبی (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۳۲۹).

یکی از عوامل ایجاد شرح صدر، ذکر خداوند است. حضرت علی (ع) در این رابطه می‌فرماید: «الذکر یشرح الصدر» یاد خدا شرح صدر می‌بخشد (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷: ۴، ۱۸۵۴).

امام سجاده علیه السلام در راز و نیاز با خدای خود چنین دعا می‌کند: الهی! در تنهایی و در میان جمع، در شب و روز، در نهان و آشکار و در آسایش و سختی، یاد خود را به دل ما افکن و ما را با ذکر خفی همدم ساز (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷: ۴، ۱۸۶۷) از این کلام امام می‌توان دانست که ذکر و یاد خداوند دارای مراتبی است که هر مرتبه‌ای به انسان سعه صدر می‌بخشد.

ذکر و یاد خداوند مصادیق زیادی دارد که به دو مصداق مهم آن اشاره می‌کنیم:

### ۳-۳-۱ انس با قرآن

«ان هو الا ذکر و قرآن مبین» (یس: ۶۹) همانا او جز مایه یادآوری و قرآنی روشنگر نیست. امام علی (ع) قرآن را بهترین ذکر معرفی کرده و می‌فرماید:

«افضل الذكر القرآن، به تشرح الصدور و تستنیر السرائر» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷: ۲، ۹۷۲). بهترین ذکر، قرآن است که به وسیله آن انسان‌ها به شرح صدر رسیده و باطنشان نورانی می‌شود.

شنیدن قرآن، تلاوت قرآن، حفظ قرآن و . . . هر یک مراتب و شیوه‌هایی از انس با کتاب الهی است؛ ولی به یقین معنای واقعی انس با قرآن صرفاً با تلاوت، حفظ، شنیدن و تعلیم حاصل نمی‌شود؛ بلکه آن چه انس واقعی را معنا می‌بخشد؛ تدبیر، عمل به آیات و تأثیرپذیری در عمل و رفتار است. این تدبیر و عمل به قرآن است که به انسان شرح صدر می‌بخشد. و همین شرح صدر خود بهترین و محکم‌ترین عامل برای رجوع به قرآن، تدبیر و عمل به آن می‌باشد. چه بسا قاریانی که قرآن را تلاوت می‌کنند، اما چون انگیزه درستی ندارند، قرآن آنها را لعنت می‌کند. چنانچه پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «رب تال القرآن و القرآن یلعنه» (نوری طبرسی، بی تا: ۴، ۲۴۹).

### ۳-۳-۲ اقامه نماز

خداوند متعال در آیه ۱۴ سوره طه می‌فرماید: «اقم الصلاه لذكری». برای یاد کردن من نماز را به پا کن. اگر نماز با حضور قلب انجام شود؛ به انسان شرح صدر می‌بخشد و در سایه آن به بصیرت و قرب الهی نائل می‌شود. قرآن در آیه ۱۵۳ سوره بقره می‌فرماید: «یا ایها الذین امنوا استعینوا بالصبر و الصلاه». ای کسانی که ایمان آوردید؛ از صبر و نماز استعانت جویید. نماز با توجه، انسان را به یاد قدرت بی‌نهایت خدا می‌اندازد و غیر او را هر چه باشد، کوچک جلوه می‌دهد؛ مهر او را در دل زیاد می‌کند؛ روحیه توکل را تقویت می‌کند و انسان را از وابستگی‌های مادی می‌رهاند. همه این آثار، قلب انسان را گسترده می‌کند و او را در برابر مشکلات مقاوم می‌سازد.

بنابراین ذکر و یاد خدا از مهم‌ترین عوامل رسیدن به قرب الهی است که انسان را از جهان ماده به عالم معنا و معنویت می‌رساند. فردی که در هر لحظه به یاد خداوند و احتیاج خویش به ذات اقدس الهی، عقاب و ثواب او باشد؛ در درون خویش راهی برای رشد و نمو رذائل اخلاقی و ارتکاب معاصی نخواهد گذاشت و همواره

درصدد رشد و تعالی خویش می‌باشد و آدمی به این مرتبه نمی‌رسد؛ مگر با شرح صدر و حوصله فراوان.

### ۳-۴ علم و معرفت

یکی از عوامل مؤثر در شرح صدر، علم و معرفت است که دارای درجات متفاوتی می‌باشد. علم به گفته راغب ادراک حقیقت چیزی است که در یک تقسیم بر دو گونه است: ۱- ادراک ذات شیء. ۲- حکم کردن بر وجود چیزی با وجود چیز دیگری که برایش ثابت و موجود است یا نفی چیزی که از او دور و منفی است. در تقسیم دیگر علم بر دو گونه است. علم نظری و علم عملی (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۵۸۱ و ۵۶۱).

واژه معرفت در لغت به معنای مطلق آگاهی و شناخت است که اندیشمندان مسلمان در معرفت شناسی از میان معانی و کاربردهای گوناگون آن همین معنای لغوی را مد نظر قرار داده‌اند (حسین زاده، ۱۳۸۷: ۲۲-۲۳).

از آن جایی که علم دارای درجات متفاوتی است؛ به موجب آن شرح صدر در درجات و مراتب متعددی حاصل می‌شود؛ یعنی هرچه معرفت بالاتر باشد؛ شرح صدر از مرتبه بالاتری برخوردار است و این نیز در کمال معرفت مؤثر است. پس هر دو در یکدیگر تأثیر مستقیم دارند.

هر علم و دانشی از آن جایی که ریشه در وجود انسان دارد و از مبداء هستی‌بخش نشأت می‌گیرد؛ همراه خود ظرفیت و شرح صدر می‌آورد. اما مطلوبیت ذاتی ندارد. یعنی به صرف عالم شدن، سعادت حقیقی انسان تأمین نمی‌شود (شرفی، ۱۳۸۸: ۳۸).

امام خمینی (ره) طالبان علم را به تصفیه نفس دعوت می‌کند و می‌فرماید: علم وقتی که در یک نفس غیر سالم واقع شد؛ مثل بارانی می‌ماند که بیارد در جایی که عفونت بار است؛ عفونتش را زیاد می‌کند. همین باران رحمت در جای دیگر بوی عطر را بلند می‌کند. . . تزکیه قبل از تعلیم و تعلّم است (خمینی، بی‌تا: ۲۹۳-۲۹۴)؛ از این بیان امام به دست می‌آید که معرفت حقیقی در سایه علم و تزکیه نفس به دست می‌آید که به انسان شرح صدر می‌بخشد. چنانکه امام سجاد علیه السلام در معرفی

عارفان می‌فرمایند: با وصول به معرفت حقیقی سینه‌شان گشاده و شرح صدر پیدا کرده‌اند (قمی، ۱۳۷۵: ۲۳۳).

بنابراین چنان چه علم و معرفت حقیقی موجود نباشد؛ نه تنها باعث «شرح صدر اسلامی» نمی‌شود؛ بلکه تنگی و ضیق صدر می‌آورد و باعث شرح صدر کفری می‌گردد.

در آیه ۲۲ سوره زمر:

«افمن شرح الله صدره للاسلام فهو على نور من ربه». شرح صدر عامل ایجاد نور الهی معرفی شده است. از آن جایی که علم و معرفت نور هستند؛ باعث گستردگی سینه می‌شوند. از طرفی کسی که شرح صدر دارد، می‌تواند علم را به درستی فرا گرفته و در مسیر صحیح هدایت نماید.

اگر بخواهیم به نقش علم و معرفت در ایجاد و تقویت شرح صدر پی ببریم؛ به روایتی از امام علی (ع) اشاره می‌کنیم:

هر ظرفی تنگ می‌شود به آن چه درون آن نهاده گردد جز ظرف علم که نه تنها تنگ نمی‌شود، بلکه با افزایش علم سینه نیز گسترش می‌یابد و شرح صدر پیدا می‌شود (نهج البلاغه: حکمت ۱۹۶).

### ۳-۵ تلاش و جهاد

جهاد یعنی طاقت، نیرو، مشقت و سختی. جهاد و مجاهده، پرداختن و صرف نیرو برای دفع دشمن و راندن اوست که به سه گونه می‌باشد:

۱- جنگ و مجاهده برای راندن و دفع دشمن آشکار.

۲- جهاد با شیطان و اهریمن.

۳- مجاهده با نفس (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۲۰۹).

در قرآن مواردی وجود دارد که جهاد در مفهوم کلی و عام به معنی تلاش و به کار گرفتن تمام توانایی به کار رفته است. نظیر آیه ۶ سوره عنکبوت.

مفهوم واژه جهاد به خودی خود نه مثبت است و نه منفی؛ بلکه خوب و بد آن به نوع کاری که برای آن تلاش و جدیت انجام می‌گیرد، بستگی دارد. از این رو در

قرآن نمونه‌هایی از تلاش برای هدف‌های ناپسند بیان شده است. نظیر آیه ۱۵ سوره لقمان:

«و ان جاهداک علی ان تشرک بی ما لیس لک به علم فلا تطعهما و صاحبهما فی الدنیا معروفا». طبیعی است که این نوع تلاش و جهاد منجر به شرح صدر اسلامی نمی‌شود؛ بلکه شرح صدر کفری به دنبال دارد که نتیجه آن گمراهی و ضلالت می‌باشد.

اگر کسانی به جهاد در راه خداوند بپردازند؛ اعم از جهاد با کفار و مشرکین، جهاد با نفس و جهاد در تحصیل علوم دینی و اعمال شایسته، خداوند هم درهای بسته را به روی آنها باز می‌کند و توفیق بیشتر عنایت می‌فرماید (طیب، ۱۳۷۸: ۱۰، ۳۵۶-۳۵۷).

وقتی انسان برای خدا و در راه او به تلاش و پیکار بر می‌خیزد؛ درها به روی او گشوده می‌شود و مشکلات و سختی‌ها قابل تحمل می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۶، ۳۷۰-۳۷۱). کسی که در سایه تلاش و جهاد به شرح صدر می‌رسد، همین شرح صدر او را مهبای قیام در راه خدا می‌نماید. زیرا دل‌بسته دنیا نمی‌شود؛ به آن ثقل ندارد؛ از غل و زنجیر آن آزاد می‌شود در نتیجه در راه خدا قیام می‌کند.

ضحاک از ابن عباس روایت کرده است که از رسول خدا (ص) پرسیدند: آیا سینه شرح می‌شود؟ فرمود: آری گشاده می‌شود. گفتند: ای رسول خدا آیا برای آن نشانه‌ای است؟ فرمود: آری: «التجافی عن دار الغرور والانا به الی دار الخلود والاعتداد للموت قبل نزول موت» (کاشانی، ۱۳۷۸: ۱۰، ۱۸۱) بنابراین دل‌بستگی به دنیا دل آدمی را تنگ می‌کند. در نتیجه از قیام و حرکت در راه خدا باز می‌ماند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا ما لکم انفرؤا فی سبیل الله اناقلتم الی الارض ارضاً رضیتم بالحیاه الدنیا من الاخره فما متاع الحیاه الدنیا فی الاخره الا قلیل» (توبه: ۳۸).

### ۳-۶ تقوی

بی‌گمان تقوا یکی از مهم‌ترین فضیلت‌های دینی و انسانی و عامل کسب شرح صدر می‌باشد. دست‌یابی به این مهم جز با تحمل مشقات و سختی‌ها امکان‌ناپذیر است.

شهید مطهری در معنی واژه تقوا نوشته‌اند: این کلمه از ماده وقی است که به معنای حفظ و نگهداری می‌باشد (مطهری، ۱۳۸۲: ۳).

در فرهنگ قرآن کریم، متقی کسی است که با ایمان و عمل صالح برای خود ملکه‌ای نفسانی فراهم می‌سازد تا او را از آسیب‌های درونی (هوای نفس) و بیرونی (شیطان) مصون دارد (جوادی آملی، ۱۳۷۶، ۲، ۱۳۲).

برای پی بردن به نقش تقوای الهی در ایجاد و کسب شرح صدر به بیانی از حضرت علی علیه السلام استناد می‌کنیم که می‌فرماید:

«فان تقوی الله دواء داء قلوبکم و بصر عمی أفتدکم، و شفاء مرض أجسادکم و صلاح فساد صدورکم و طهور دنس أنفسکم، و جلاء غشاء أبصارکم» (نهج البلاغه: خطبه ۱۹۸). تقوای خدا به تحقیق داروی بیماری قلب‌های شما، بینایی کوری دل‌های شما و برطرف کننده حجاب دیده‌های شما و درمان بیماری کالبدهایتان و زداینده فسادهای سینه‌هایتان است و پلیدی‌های جان‌هایتان را پاک می‌کند و روشنی بخش دیده‌هایتان است.

قرآن در بعضی آیات می‌فرماید که تبعیت از هوای نفس، مانع کسب نور، معرفت، هدایت، یقین و شرح صدر است. در آیه ۵۰ سوره قصص آمده است: «فان لم يستجیبوا لک فاعلم انما یتبعون اهواءهم و من اضل ممن اتبع هواه بغير هدی من الله ان الله لا یهدی القوم الظالمین».

عبدالحسین طیب در تفسیر این آیه می‌نویسد: ارسال رسل و انزال کتب جعل احکام برای جن، انس و هدایت و ارشاد آنها است؛ لکن محل باید قابلیت داشته باشد و ظالم قابل هدایت نیست (طیب، ۱۳۷۸: ۱۰، ۲۵۱). این تفسیر به خوبی روشن می‌کند که شرط هدایت، قابلیت و شرح صدر است. افراد ظالم در اثر بی‌تقوایی این قابلیت را از دست داده و هدایت نمی‌یابند.

آیه ۲۳ جائیه به رابطه پیروی از هوای نفس و ضیق صدر که نقطه مقابل تقوا و شرح صدر است، پرداخته و می‌فرماید: «أ فرایت من اتخذ الهه هواه و اضله الله علی علم و ختم علی سمعه و قلبه و جعل علی بصره غشاوه فمن یتهدیه من بعد الله افلا تذکرون». کسانی که از هواهای نفسانی پیروی می‌کنند؛ گمراهانی هستند که از نور معرفت الهی محروم و چشمانشان بر روی حقیقت بسته شده است.

در نتیجه فضایل اخلاقی با یکدیگر رابطه دو سویه دارند. رابطه تقوا و نقش آن در ایجاد شرح صدر نیز همین طور است. یعنی انسان از همان ابتدا ظرفیت دستیابی به مرتبه عالی تقوا را ندارد؛ مگر خواص که خداوند بر آنها منت نهاده و به آنها ظرفیت مطلق یا همان شرح صدر مطلق را عطا نموده است. سایر انسان‌ها باید از طریق مجاهده و تلاش مستمر، این ظرفیت را در قلب و روح خود ایجاد نمایند. یکی از راه‌های ایجاد و تقویت ظرفیت یا شرح صدر همین داشتن تقوا می‌باشد که خداوند ظرفیت ابتدایی تقوا را به صورت فطری در انسان قرار داده است و این با خود انسان است که تقوا را ملکه درونی خویش سازد و این ظرفیت را بالا ببرد. هرچه این ظرفیت یا شرح صدر بیشتر شود، دستیابی به مراحل بالای تقوا، آن هم تقوای حقیقی امکان‌پذیر خواهد شد.

### ۳- ۷ دعا

خداوند متعال با دعا و درخواست بندگان به آنها شرح صدر عطا می‌کند. وقتی که حضرت موسی علیه السلام گفت:

«رب اشرح لی صدی» (طه: ۲۵) خداوند هم فرمود: «قد اوتیت سؤلک یا موسی» (طه: ۳۶) ای موسی هر چه خواستی به تو داده شد. همان طور که می‌بینیم در این جمله همه دعاها و درخواست‌های حضرت موسی علیه السلام اجابت شده است.

اگر دعا تأثیری در ایجاد شرح صدر نمی‌داشت؛ انبیاء الهی این قدر در عرفه دعا نمی‌کردند که به آنها شرح صدر عطا شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه فرموده‌اند: بیشتر دعای من و دعای پیامبران پیش از من در سرزمین عرفات این بود. . . خداوند در قوه شنوایی و بینایی من نور عنایت کن. دلم را نورانی کن. خدایا به من شرح صدر عطا کن و کارم را آسان کن (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷: ۹، ۲۰۵۲۵).

در سوره بقره آیه ۱۸۶ چنین آمده است: «واذا سالک عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوها لداع اذا دعان فلیستجیبوا لی ولیؤمنوا بی لعلمهم یرشدون». خداوند متعال در این آیه شریفه دعا و استجاب آن را به اجابت اوامر و دستورات خویش منوط

نموده است. اطاعت همه اوامر خداوند، با توجه به نفس سرکش انسان، وسوسه‌های شیطان و غرق شدن در زندگی روزمره دنیایی، کاری بس سنگین و مشکل است. ولی با شرح صدر می‌توان این سنگینی را مرتفع نمود و در مسیر الهی حرکت کرد. در این میان با دعا که خود یکی از اوامر الهی است، می‌توان از خداوند خواست که شرح صدر به ما عنایت کند، تا اوامر او را بهتر اطاعت نماییم.

#### ۴- ثمرات شرح صدر

شرح صدر مانند هر خصیصه اخلاقی دیگری، دارای تأثیرات فراوانی می‌باشد. که آثارش در رفتار، گفتار، تصمیم‌گیری‌ها، قضاوت‌ها و در کلیه فعالیت‌های انسان، نمایان می‌شود. برخی از این ثمرات عبارتند از:

#### ۴-۱ حسن خلق و گشادگی چهره

حسن خلق به معنای قوا و سجایای اخلاقی است که با بصیرت احساس می‌شود. این که قرآن کریم در آیه ۴ سوره قلم فرموده:

«انک لعلی خلق عظیم» معنایش این است که تو ای پیامبر سجایای اخلاقی عظیمی داری (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۲۹۸).

بدون شک پیامبر گرامی اسلام (ص) مظهر تام شرح صدر است. در نتیجه، آثار ظهور یافته از آن حضرت نیز باید تمام و کامل باشد؛ چنان که در برخی از روایات این چنین توصیف شده است: متبسم‌ترین مردم و گشاده‌روترین و خوشروترین آنان بود (حسینی فیروزآبادی، بی‌تا: ۱، ۱۶۰).

آن حضرت نه تنها خود چنین بودند؛ بلکه دیگران را نیز توصیه و سفارش می‌کردند که این گونه باشند. از آن حضرت نقل شده است: «لق اخاک بوجه منبسط». برادرت را با چهره باز و گشاده ملاقات کن (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۸، ۵۱۲).

حضرت علی علیه السلام به عبدالله بن عباس هنگامی که او را در بصره به جای خود گمارد؛ چنین نوشت: «سع الناس بوجهک و مجلسک و حکمک» (نهج البلاغه: نامه ۷۶). با مردم گشاده رو باش هنگامی که به حضور می‌آیند و هنگامی که درباره آنها داوری می‌کنید.



این بیانات به نقش شرح صدر در ایجاد حسن خلق اشاره می‌کنند. چرا که گشاده رویی با مردم دانا و فهیم، راحت‌تر واقع می‌شود. اما چنان چه افراد تحت حکومت و حیطة مسؤولیت، افرادی جاهل، لجوج، منافق و مخالف باشند؛ انتظار برخورد نرم و گشاده‌رویی با آنان قطعاً سخت و مشکل خواهد بود و بدون داشتن شرح صدر و ظرفیت بالا چه بسا امکان پذیر نباشد.

#### ۴-۲ صبر و استقامت

صبر به معنی حبس نفس و خویشتن داری در برابر رخدادها است. کسی که سینه‌اش آکنده از نور علم و حکمت شود، کانون بردباری و شکیبایی می‌شود (دلشاد تهرانی، ۱۷۳). شرح صدر به مفهوم فراخ حوصله شدن و با ظرفیت و پر تحمل گردیدن است و کم حوصلگی و کم ظرفیتی از پیامدهای ضیق صدر است. این مطلب را می‌توان از روایت امام علی (ع) استنباط نمود که می‌فرماید: «من ضاق صدره لم یصبر علی اداء الحق» (کراجکی، بی تا: ۱، ۲۸۷، مجلسی، ۱۹۸۳: ۷۸، ۹۰).

ترقی و تکامل انسان، چه مادی و چه معنوی، در سایه صبر امکان پذیر است. بدون صبر نه آرزویی بر آورده می‌شود و نه آرمانی جامه تحقق می‌پوشد. زیرا این قانون و سنت الهی است که انسان‌ها را مورد آزمایش و ابتلا قرار می‌دهد تا بندگان مؤمن و خاص را از ناپاکان جدا نماید.

در روایت آمده است: بدان که صبر وسیله درآمدن به بهشت و رهاگشتن از دوزخ است. در حدیث دیگری می‌خوانیم: بهشت با سختی‌ها و دشواری‌ها آمیخته است و دوزخ با شهوات. بنابراین، انسان باایمان نیازمند صبر و مقاومت در برابر سختی‌های روزگار است تا بتواند به بهشت درآید (مکی، بی تا: ۱، ۲۰۰). در دنیا توانگری و درویشی، تندرستی و بیماری، نیرو و ناتوانی، پیروزی و شکست و فزونی و کاستی وجود دارد؛ و مؤمنان ناچارند که در هر حالی از این احوال بر یک خط مستقیم و درست بمانند (مدرسی، ۱۳۷۷: ۱۵، ۱۰۴) از این تفسیر چنین به دست می‌آید که برای حرکت در صراط مستقیم باید خود را به نیروی صبر مجهز نمود که آن نیز بدون شرح صدر امکان پذیر نیست.

#### ۳-۴ عفو و گذشت

یکی از ثمرات شرح صدر، عفو و گذشت است. کسی که سینه‌اش گشاده باشد؛ عفو و بخشش را سر لوحه کار خویش قرار می‌دهد. خداوند متعال در آیه ۱۳ سوره مائده خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که سینه مبارکش از منشرح به نور الهی است؛ می‌فرماید: «فاعف عنهم و اصفح».

در آیه ۱۳۴ سوره آل عمران نیز می‌فرماید: «الذین ینفقون فی السراء و الغیظ و العافین عن الناس و الله یحب المحسنین». طبیعی است که فرو بردن خشم و دارا بودن عفو و گذشت در زمانی که قدرت و هیجان انتقام وجود دارد؛ نشان دهنده شرح صدر و گستردگی سینه است. اگر چنین نبود؛ در موقعی که کاملاً قدرت و هیجان بر انتقام داشت؛ بدی را با نیکی جواب نمی‌داد. بنابراین اگر نگوییم بدون شرح صدر، عفو و گذشت امکان پذیر نیست؛ به یقین می‌توان گفت که امری سخت و مشکل خواهد بود.

#### ۴-۴- سکینه و وقار و دوری از نگرانی و اضطراب

سکینه امری اخلاقی است که باعث تثبیت قلب، آرامش آن و وقار در تکلم می‌شود. آرامشی قلبی است که خداوند در هنگام اضطراب قلب و دودلی، بر بنده‌اش نازل می‌کند تا او را آرامش دهد و بر ایمان و یقینش افزوده گردد (شرباصی، ۱۴۰۷: ۱، ۱۰۴).

امام صادق علیه السلام درباره ثمرات شرح صدر چنین فرموده‌اند: خداوند نوری را بر قلب مؤمن می‌تاباند که در نتیجه آن قلب مؤمن، وسیع و گشاد می‌گردد؛ در نتیجه آن تسلیم خدا می‌شود و به حالتی از اطمینان و ثقه نسبت به آن چه خداوند به او وعده داده است، می‌رسد و آرامش پیدا می‌کند (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۸: ۵، ۳۵۸ - ۳۵۹).

سبکی، اضطراب و خصومت طلبی از آثار تنگ دلی می‌باشد. پس کسی که سینه‌اش گشاده باشد؛ رفتارش توأم با آرامش و وقار است و اضطراب و خصومت طلبی در او نخواهد بود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«لا یخاصم إلا من قد ضاق بما فی صدره» مخاصمه نمی‌کند؛ مگر کسی که دچار تنگی سینه شده باشد (قاضی عیاض، ۱۴۰۹: ۱، ۱۷۶).

#### ۴-۵ اعتماد بر خدا

کسی که قلب خود را با ایمان به خدا منشرح سازد، در برابر سختی‌ها و مشکلات مقاومت کرده و در امور بر خداوند متعال اعتماد می‌کند. آیت الله مکارم شیرازی علت توکل و اعتماد مؤمنان بر خدا را افق فکر بلند و روح بزرگ می‌داند و می‌گوید: افق فکر آنها آن چنان بلند است که از تکیه کردن بر مخلوقات ضعیف و ناتوان هر قدر هم به ظاهر عظمت داشته باشند ابا دارد. آنها آب را از سرچشمه می‌گیرند و هر چه می‌خواهند و می‌طلبند، از اقیانوس بی‌کران عالم هستی؛ از ذات پاک پروردگار می‌خواهند؛ روحشان بزرگ و سطح فکرشان بلند، و تکیه گاهشان تنها خدا است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۷، ۸۹). اعتماد بر خداوند دارای مراتبی از جمله توکل، تفویض، رضا و تسلیم می‌باشد و هر کدام از این مراتب مرتبه‌ای خاص از شرح صدر را می‌طلبد. شرح صدر با فضایل اخلاقی و عرفانی رابطه دو سویه دارد. مقداری که انسان بر خدا توکل نماید و تمرین و ممارست داشته باشد؛ مرتبه بالاتری از شرح صدر را به دست می‌آورد که از طریق آن می‌تواند خود را به مراتب بالاتر از توکل سوق دهد.

#### ۴-۶ آسان شدن امور

یکی از ثمرات شرح صدر، آسان شدن امور و کارها می‌باشد. دومین درخواست حضرت موسی علیه السلام بعد از درخواست شرح صدر از خداوند متعال، این است که امرم را برایم آسان کن. از تأمل در آیات ۲۵ و ۲۶ سوره طه دو نکته قابل استفاده است:

اول: آسان شدن کارها امری مطلوب است. خداوند متعال در آیات متعددی (نظیر آیه ۵ و ۶ سوره انشراح، آیه ۷ سوره طلاق، آیه ۶ سوره مائده و . . .) تصریح دارد که احکام دین اسلام سهل و آسان است. در آیه ۱۵۸ سوره بقره می‌فرماید: «یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر» یسر به معنی سهولت و آسانی با بودن

وسعت و گشایش است و عسر به معنی شدت و سختی با بودن مضيقه و تنگنایی است (مصطفوی، ۲، ۳۸۵-۳۸۶).

دوم اینکه آسان شدن امر به دست خدا است. با عنایت الهی مشکل‌ترین کارها برای انسان آسان می‌شود. از این رو خداوند متعال در آیه ۴ سوره طلاق فرموده است: «و من یتق الله یجعل له من امره یسرا». کسی که در تمام آن چه مأمور به اطاعت آن شده است؛ پرهیزکاری کند؛ خداوند برای او آسانی و سهولت قرار می‌دهد. به طور طبیعی اطاعت همه امور با توجه به کیدهای شیطان و نفس اماره، فقط با شرح صدر امکان‌پذیر است.

#### ۵- راه‌های تشخیص شرح صدر

وقتی که سخن از اصول اخلاقی به میان می‌آید؛ معمولاً دو هدف دنبال می‌شود: یکی شناخت است که متضمن عوامل ایجاد‌کننده، باز دارنده و تأثیر آن بر عملکرد انسان است. دوم عمل به آن اصل که منجر به تغییر رفتار و حرکت می‌شود. در نهایت نیز باید تأثیر آن را ارزیابی کرد. برای ارزیابی باید از معیارهایی استفاده کرد که قابلیت سنجش آن اصل را داشته باشد. شناخت شرح صدر به‌عنوان یک فضیلت اخلاقی و انسانی و تلاش برای ایجاد آن، بر عملکرد آدمی تأثیر می‌گذارد. در این مقاله برخی از معیارهایی را که قابلیت سنجش شرح صدر را دارند، ارائه می‌کنیم تا بتوانیم با سنجش به موقع خودمان، ظلمت را از خود دور کنیم و وجودمان را به نور الهی مزین کنیم.

شرح صدر نشانه‌هایی دارد که با ظهور آن در صاحب شرح صدر، می‌توان آن را تشخیص داد:

#### ۵-۱ اهمیت ندادن به جمال و کمال مادی

کسی که حق تمام وجودش را فراگرفته باشد، مادیات برای او ارزشی ندارد و آن را هدف اصلی زندگی قرار نمی‌دهد تا تمام تلاش خود را صرف آن نماید. در نظر وی مادیات وسیله‌ای برای رسیدن به سعادت اخروی است. امام خمینی (ره) می‌فرماید:

انسانی که دارای شرح صدر باشد؛ هر چه از کمال، جمال، مال، منال، دولت و حشم در خود ببیند؛ به آن اهمیت نمی‌دهد (خمینی، ۱۳۸۰: ۳۳۷).

### ۵-۲ قابلیت و توانایی کسب همه کمالات

خداوند واجب الوجود و کامل مطلق است و انسان ممکن الوجود را طوری آفریده است که در سیر کمال خود هر چه بالاتر رود؛ تشنه‌تر می‌شود. آنچه که به انسان قدرت دریافت کمالات را می‌دهد، شرح صدر است؛ زیرا شرح صدر سبب انبساط نفس می‌شود و در نتیجه هر چه کمالات در آن حاصل شود، امکان ایجاد کمالات دیگر نیز در آن وجود دارد. امام خمینی می‌فرماید: از ظرف وجودش هیچ چیز لبریزی نکند (خمینی، ۱۳۸۰: ۳۳۷).

### ۵-۳ حبّ خداوند را در دل داشتن

گفتیم معرفت به خداوند به انسان شرح صدر می‌بخشد. هر چقدر گستردگی سینه و علم و معرفت بیشتر باشد؛ آن سینه حرم کبریا می‌شود و حبّ خدا در آن جای می‌گیرد. از نشانه‌های دوستی خداوند یاد بی‌شمار او است. چنان که علی (ع) می‌فرماید: هر کس شیفته چیزی باشد؛ آن چیز ورد زبانش می‌شود (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷: ۲، ۹۳۷-۹۳۸).

امام خمینی می‌فرماید: معرفت خدا، حبّ خدا آورد و این حبّ چون کامل شد؛ انسان را از خود منقطع می‌کند (شرح ۱۳۸۰: ۳۳۸).

دل کندن از خود و رهسپار وادی حق شدن، تأثیرات خاصی بر انسان دارد. برخی تأثیرات از این جمله‌اند:

### ۵-۳-۱ انقطاع و بریدن از عالم

هر فردی باید محبت دیگران را از دل بیرون کند و قلب خود را مهبیای عشق به خدا نماید. البته انقطاع از همه چیز و همه کس به معنای بی‌توجهی و فراموش کردن دوستان نیست؛ بلکه آن دوستی باید تحت دوستی حق تعالی در آید. زیرا در روایات به امر دوستی و تأثیرات آن زیاد پرداخته شده است. پیامبر اکرم (ص)

در مورد دوستی چنین می‌فرماید: دوستی مؤمن با مؤمن، به خاطر خدا از فروع ایمان است. بدانید که هرکس برای خدا دوست بدارد؛ برای خدا دشمنی بورزد؛ برای خدا عطا کند و به خاطر خدا دریغ نماید؛ از برگزیدگان خداوند است (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷: ۲، ۹۶۹).

### ۵-۳-۲ طمّاع نبودن

امام خمینی (ره) یکی از تأثیرات انقطاع از خود را، چشم طمع نداشتن به دیگران می‌داند؛ زیرا کسی که یقین داشته باشد که خداوند بر هر چیزی توانا و قدرتمند است، بر او توکل می‌کند و چشم به دست خلق نمی‌دوزد (خمینی، ۱۳۸۰: ۳۳۸). چنان که پیامبر اکرم (ص) در این رابطه می‌فرماید: کسی که خدا دوستی را بر خود دوستی برگزیند، خداوند او را از مردم بی‌نیاز می‌گرداند (محمدی ری شهری، ۱۳۷۷: ۲، ۹۴۵).

### ۵-۳-۳ دوری و پیروی نکردن از هوای نفس

کسی که در سایه شرح صدر از خود دل بکند و همه چیز را تحت اراده خدا بداند و بر او توکل نماید؛ از او گناه سر نمی‌زند و هرچه بر آن مداومت نماید، مطرود شیطان می‌شود و تحت تأثیر وسوسه‌های او قرار نمی‌گیرد. در نتیجه نفس او به نفس زکیه تبدیل می‌شود و در جدال بین نفس و عقل، جانب عقل را می‌گیرد که سبب نورانیت و گستردگی دل می‌شود. و این نورانیت در فعل و قول او نمایان می‌شود.

### نتیجه گیری

از آنچه در این مقاله بیان شد، نتایج زیر به دست می‌آید:  
معنا و مفهوم شرح صدر از دیدگاه قرآن همان معنای کنایی آن است. یعنی افزایش ظرفیت وجودی انسان که یک امر روحی و معنوی است.  
شرح صدر با سعه صدر مترادف است. همچنین می‌توان صفاتی همچون صبر، سکینه و وقار را که از ثمرات شرح صدر است، به جای آن به کار برد.

ضیق صدر نقطه مقابل شرح صدر است که توانایی درک معارف را از انسان می‌گیرد و او را فاقد صبر و حوصله می‌کند.

شرح صدر از بزرگترین نعمت‌های الهی است که نصیب همه پیامبران الهی و مؤمنان می‌گردد. ولی بیش از همه نصیب رسول خدا (ص) شده است.

برخی از افراد ظرفیت وجودیشان برای پذیرش کفر گسترش می‌یابد؛ یعنی نسبت به دین تنگ نظر هستند، ولی از کفر و گمراهی خود راضی و خوشحال هستند.

عوامل مختلفی در ایجاد و تقویت شرح صدر دخالت دارند؛ از جمله اراده و مشیت الهی، ذکر، علم و معرفت، تلاش و جهاد، تقوی، دعا و . . .

کسانی که در سایه عوامل ذکر شده، مراتبی از شرح صدر را کسب نمایند، ثمرات و برکات خوبی عایدشان می‌گردد. از جمله این ثمرات حسن خلق و گشادگی چهره، صبر و استقامت، عفو و گذشت، سکینه و وقار، اعتماد بر خدا، آسان شدن امور، دل‌کندن از دنیا و دل‌بستن به آخرت، انصاف، انتقاد پذیری و . . . می‌باشد.

معیارها و نشانه‌هایی وجود دارد که با توجه به آنها می‌توان به میزان شرح صدر در خود پی برد. این معیارها عبارتند از: اهمیت ندادن به جمال و کمال مادی، قابلیت و توانایی کسب همه کمالات و حبّ خداوند را در دل داشتن. امید است که در سایه الطاف الهی و عوامل ذکر شده خود را به نیروی شرح صدر نورانی کنیم.

## منابع و مأخذ

قرآن مجید. (۱۳۸۸). ترجمه حسین انصاریان. قم: آیین دانش.  
 نهج البلاغه. (۱۳۷۸). ترجمه جعفر شهیدی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

ثقفی تهرانی، محمد. (۱۳۹۸). روان جاوید. تهران: انتشارات برهان.  
 جبران مسعود. (۱۳۸۰). الرائد. ترجمه رضا انزابی نژاد. مشهد: آستان قدس رضوی، شرکت به نشر.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۶). تفسیر موضوعی. بی‌جا: مرکز نشر اسراء.

- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸). *تسنیم: تفسیر قرآن کریم*. قم: تنظیم و ویرایش علی اسلامی، اسراء.
- الحر العاملی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه*. مؤسسه آل البیت لإحياء التراث.
- حسین زاده، محمد. (۱۳۸۷). *درآمدی بر معرفت شناسی و مبانی معرفت دینی*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- حسینی فیروز آبادی، مرتضی. (بی تا). *الفضائل الخمسه*. نرم افزار المكتبه الشامله.
- حسینی همدانی، محمد حسین. (۱۴۰۴). *انوار درخشان*. تهران: کتاب فروشی لطفی.
- خمینی، روح الله. (۱۳۷۱). *شرح چهل حدیث*. بی جا: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰). *شرح حدیث جنود عقل و جهل*. بی جا: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- \_\_\_\_\_ (بی تا). *صحیفه امام*. بی جا: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۷۲). *سیره نبوی*. بی جا: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (بی تا). *المفردات فی غریب القرآن*. لبنان: دار المعرفه.
- الشریاضی، احمد. (۱۴۰۷). *موسوعه اخلاق القرآن*. بیروت: دار الراءد العربیه.
- شرفی، احمد حسین. (۱۳۸۸). *آیین زندگی*. بی جا: دفتر نشر معارف.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. مترجم: محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طیب، عبدالحسین. (۱۳۷۸). *اطیب البیان*. تهران: انتشارات اسلام.



- قاضی عیاض، ابوالفضل. (۱۴۰۹). *الشفاء بتعريف حقوق المصطفى*. بیروت: دار الفکر للطباعه والنشر والتوزيع
- قمی، عباس. (۱۳۷۵). *مفاتيح الجنان، مناجات العرفین*. ترجمه مهدی الهی قمشه ای. تهران: انتشارات علمی.
- کاشانی، فتح الله. (۱۳۷۸). *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*. بی جا: انتشارات اسلامیة.
- کراچکی، ابوالفتح. (بی تا). *کنز الفوائد*. نرم افزار المكتبه الشامله.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۱). *اصول الکافی*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۹۸۳). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمودی ری شهری، محمد. (۱۳۷۷). *میزان الحکمه*. مترجم حمیدرضا شیخی. تهران: مؤسسه فرهنگی دار الحدیث.
- محمودی، محمد باقر. (۱۳۷۵). *نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه*. بیروت: مؤسسه التضامن الفکری.
- مدرسی، محمد تقی. (۱۳۷۷). *تفسیر هدایت*. مشهد: بنیاد حفظ ارزش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مراغی، احمد بن مصطفی. (بی تا). *تفسیر المراغی*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۳). *اخلاق در قرآن*. مرکز انتشارات مؤسسه اسلامی امام خمینی.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۸۰). *تفسیر روشن*. تهران: مرکز نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۲). *ده گفتار*. تهران: انتشارات صدرا
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکی، ابوطالب. (بی تا). *قوت القلوب*. نرم افزار المكتبه الشامله.
- ملکی تبریزی، جواد. (بی تا). *رساله لقاءالله*. مقدمه و ترجمه: احمد فهری. بی جا: مؤسسه تحقیقات و انتشارات فیض کاشانی.

النمازی الشاهرودی، علی. (۱۴۱۸). *مستدرک سفینه البحار*. تحقیق و تصحیح: حسن بن علی النمازی. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین. النوری الطبرسی، میرزا حسین. (بی تا). *مستدرک الوسائل*. میرزا حسین، نرم افزار المكتبه الشامله.